

بررسی تحولات تقنینی جرایم اطفال بزهکار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید

خدیجه محمدزاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله املی، ایران

چکیده

نظام فعلی محاکمه و اصلاح جرائم اطفال از سال ۱۸۸۹ با تأسیس دادگاه‌های اطفال در شیکاگو شروع شد. قبل از آن در سال ۱۸۷۸ در ایالت ماساچوست نظام جدیدی را برای محاکمه اطفال بنیان نهاد. پس از ایالت شیکاگو بقیه ایالات نیز از آن تبعیت کردند در اروپا نیز انگلستان در تأسیس دادگاه اطفال بر دیگران سبقت گرفته است. در سال ۱۹۰۵ اولین محاکمه اطفال به مفهوم فعلی آن در پرمنگهام انگلیس تأسیس شد. در بقیه کشورهای اروپایی نیز متعاقباً دادگاه‌های اطفال تأسیس گردید. نحوه برخورد و رفتار با اطفال و نوجوانان ظرافت، انعطاف و تبحر خاص خود را می‌طلبد تا بتوان آنان را به زندگی عادی هدایت نمود. در این خصوص قانون مجازات و آیین دادرسی کیفری جدید به تدوین موادی شایسته پرداخته است تا علاوه بر جبران خلاء قوانین سابق راهکارهایی مفیدی جهت کاهش تخلفات اطفال ارائه دهد. از این موارد می‌توان به مهمترین آن که تشکیل پرونده شخصیت است اشاره نمود که از گام‌های موثر مقنن در این حیطه بشمار می‌آید. ما در این مقاله برآنیم پس از اهمیت دادرسی اطفال رویکرد نوین قوانین جزایی در خصوص اطفال بزهکار را مورد ارزیابی قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: دادرسی اطفال، دادرسی اطفال، دادگاه اطفال، پرونده شخصیت.

مقدمه

مقتن در قانون جدید مبحث مستقلی به عنوان تحقیقات جرایم اطفال و نوجوانان در نظر گرفته و در آن سن اطفال و نوجوانان را در فروض مختلف گنجانده است؛ به طوری که تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر ۱۵ سال، اعم از پسر یا دختر مستقیماً در دادگاه صورت می پذیرد. اما در مورد افراد بین ۱۵ الی ۱۸ سال چه دختر باشند چه پسر، دو حالت مفروض است: نخست اینکه جرم ارتكابی آنها، از جرایم مندرج در مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ باشد که در این صورت نیز موضوع پرونده آنها بدون طی نمودن دادرسی، مستقیماً در دادگاه رسیدگی می شود. دوم اینکه جرم ارتكابی آنها از جرایم مندرج در مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ نباشد که تحقیقات مقدماتی آنها، در دادرسی رسیدگی می شود که در معیت دادگاه اطفال انجام وظیفه می نماید.

تاسیس دادرسی اطفال در معیت دادگاه اطفال

از رویکردهای نوین قانون آئین دادرسی کیفری جدید مربوط به پیش‌بینی دادگاه اطفال و تاسیس دادرسی اطفال در معیت آن است. سابقاً قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۲۲۱ و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ در تبصره ۳ ماده ۳ رسیدگی و تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال را در صلاحیت خود دادگاه صالح به اصل دعوا قرار می داد. با تصویب قانون جدید آئین دادرسی کیفری، مقرر گردید در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن (به ترتیب صلاحیت ذاتی و محلی) شعبه‌ای از دادرسی عمومی با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان^۱ تشکیل شود.

جایگاه دادگاه اطفال در قانون جدید

دادگاه اطفال در قانون آئین دادرسی کیفری قبلی، به عنوان یک مرجع عمومی تخصصی (نه مرجع اختصاصی) شناخته می شد؛ به طوری که برابر ماده ۲۱۹ در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می شد. همانطور که پیداست قانون سابق یک یا چند شعبه از شعب دادگاه‌های عمومی را برای رسیدگی به این نوع جرایم اختصاص می داد. ناگفته پیداست که دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم را دارند مگر اینکه قانون استثناء نموده باشد؛ لذا دادگاه اطفال که شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی بود نه تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال را داشت، به سایر جرایم نیز رسیدگی می نمود. برخی در انتقاد از ماده ۲۲۰ قانون مصوب ۱۳۷۸ اشعار می داشتند: «دادگاه اطفال حسب اقتضای این قانون یک دادگاه خاص و ویژه و یا

۱. با توجه به اینکه جرایم ارتكابی افراد زیر ۱۵ سال مستقیماً در دادگاه مطرح خواهد شد، لذا در اینجا عنوان دادرسی نیز، «دادرسی ویژه نوجوانان» خواهد بود نه «اطفال و نوجوانان».

تخصصی نیست بلکه یکی از شعب دادگاه های عمومی است که در بعضی موارد منحصرأ به جرایم اطفال اختصاص می یابد و در برخی از حوزه ها در عین رسیدگی به جرایم سایر افراد، به جرایم اطفال نیز رسیدگی می نماید. با این توضیح آنچه که به عنوان تخصص و تبحر قاضی در رسیدگی به جرایم اطفال ضرورت دارد مورد رعایت قرار نگرفته و نمی تواند با وضع قانونگذاری فعلی محملی پیدا کند. در حقیقت دادگاه اطفال سازمان قضایی خاصی ندارد. در ترکیب این دادگاه از مشاوران اجتماعی، از مددکاران علوم تربیتی و از متخصصان علوم روانکاوی خبری نیست و حتی دادرس آن نیز آموزش خاصی در زمینه بزهکاری اطفال نمی بیند. در حقیقت اسم دادگاه عمومی عوض شده است؛ به جای دادگاه عمومی در این خصوص دادگاه اطفال گفته می شود.^۱ ماده ۲۳۱ قانون سابق نیز اشعار می داشت: «اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن شعب نمی باشد».

یکی از بارزترین و مهم ترین تحول قانون جدید، مربوط به اختصاصی (نه تخصصی) نمودن دادگاه های اطفال می باشد.

تحولات تقنینی تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال

لذا تغییری که بین قوانین سابق و این ماده از قانون جدید به چشم می خورد این است که طبق مقررات قبلی تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم اطفال به صورت مستقیم دادگاه به عمل می آمد، لیکن طبق این ماده از قانون جدید صرفأ تحقیقات آن دسته از جرایم اطفال که جزء جرایم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ می باشند مستقیماً در دادگاه به عمل می آید. البته توجه به این نکته ضروری است که طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل «به جرایم اطفال مستقیماً در دادگاه های مربوط رسیدگی می شود» و از اطلاق تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل «به این قانون بین افراد زیر ۱۵ سال و افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تفکیک قائل نشده است. در تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون جدید، تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیماً در اختیار دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده شده است و تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال (به جز جرائم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد)، در این دادرسی به عمل می آید.

تبصره ۲ این ماده از قانون جدید نیز در جهت اهمیت تحقیقات مقدماتی، از دستاوردهای قانون حاضر محسوب می گردد.

۱. برخی دادگاه اطفال را شعبه ای تخصصی از شعب عمومی خوانده اند. (علی خالقی، «آیین دادرسی کیفری» موسسه مطالعات و پژوهش های

حقوقی شهر دانش، چاپ سیزدهم، صفحه ۳۱۱)

۲. محمود آخوندی، منبع پیشین، جلد ۴، صفحه ۲۴۷

تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان در قانون جدید

در ماده ۲۸۶ دو مورد نوآوری به چشم می‌خورد نخست اهمیت تشکیل پرونده شخصیت و دوم تبعیت از مقررات درجه‌بندی مجازات‌های جرایم تعزیری که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به وجود آمده است.

در این خصوص لازم میدانم توضیحات اجمالی در خصوص پرونده شخصیت متهم ارائه نمایم. جرم محصول زیستی، روانی و اجتماعی است. لذا بایستی بالحاظ این شرایط واکنش مناسب با مرتکب جرم داشته باشیم. تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری از ضروریات دادرسی عادلانه است و این مهم باگردآوری اطلاعاتی از گذشته و شرایط وی (بزهکار) در زمان ارتکاب بزه محقق می‌شود. با بررسی مجموعه علل و عواملی که در شکل‌گیری بزه در بزهکار نقش داشته است، فضای ارتکاب جرم را باید بررسی کرد و بدین ترتیب باتوجه به شرایط، وضعیت و فاکتورهای موثر در بروز ارتکاب جرم از منظر شخصیت مجرم اقدامات قضایی صورت گیرد.

شناخت صحیح از ویژگیهای بزهکار، در اتخاذ تصمیم مناسب در روند تعقیب دادرسی و اجرای حکم، به اجرای عدالت کیفری و روند مطلوب پیشگیری از بزهکاری کمک موثر خواهد نمود. امروزه واکنش کیفری در قالب ارباب و سزادهی محض در تنظیم سیاست کیفری مطلوبیت ندارد بلکه مجازاتی موثر است که موجب ترمیم شخصیت فرد بزهکار بشود. در آیین دادرسی کیفری سابق نظام قضایی رویکرد مناسب به پرونده شخصیت نداشت و فقط در زمان اجرای مجازات حبس به منظور طبقه‌بندی زندانیان سازمان زندان‌ها مبادرت به تشکیل پرونده شخصیت می‌نمود. رویه موجود نیز فقط در جرایم اطفال آن هم به حکم ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری سابق بصورت محدود شکل گرفته بود. درحالیکه شایسته بود قانونگذار تشکیل پرونده شخصیت را مخصوصا برای کودکان نوجوانان و به ویژه قشر آسیب پذیر جامعه یعنی زنان اجباری اعلام می‌کرد. ما در این پایان نامه برآنیم به بررسی جایگاه پرونده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری جدید پردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم آیا قانون آیین دادرسی کیفری جدید خلاهای قانونی سابق را در خصوص پرونده شخصیت متهم (بویژه در اطفال) رفع نموده است؟

در این خصوص باید بیان نمود، ماده ۲۰۳ از تاسیسات نوین مقرر در قانون جدید آیین دادرسی کیفری می‌باشد. براین اساس؛ "در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار یا بالاتر است و همچنین، در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمی که میزان دیه آنها ثلث دیده کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است درحین تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده‌های عمل مجرمانه تشکیل می‌شود، حاوی مطالب زیر است:

الف: گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم،

ب: گزارش پزشکی و روان پزشکی". الزامی بودن تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر موارد مذکور در ماده ۳۰۲ این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش برابر ماده ۲۸۶ قانون مزبور و نیز صدور قرار نگهداری موقت از اطفال (تبصره ذیل ماده ۲۸۷)، در همین رابطه قابل ذکر است

قانون آئین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال " اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم"، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در واقع باید گفت پرونده شخصیت متهم بنوعی اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم بشمار میاید که در قانون دادرسی کیفری جدید مورد توجه بیشتر قرار گرفته است.

با وجود مقرر داشتن ترتیب جدید مزبور، نحوه تشکیل پرونده مددکاری، وضعیت مددکاران اجتماعی مربوطه، مکانیسم استفاده از آنها، هدف از تشکیل پرونده مزبور، ترتیب استفاده از آن و تاثیر این پرونده در پرونده مجرمانه متهم، در این قانون مشخص نشده است و این را می توان از خلاهای موجود در قانون جدید بشمار آورد. هرچند الزامی شدن تشکیل پرونده شخصیت اطفال از مزایای مورد توجه قانون آئین دادرسی کیفری جدید است. در قانون آئین دادرسی کیفری جدید، حقوق متهم بهتر و مطلوب تر از قانون گذشته دیده شده و محاسن و مزایای بسیاری در قانون جدید وجود دارد.

مقرراتی که در ماده ۲۸۷ از قانون جدید پیش بینی شده است، در ماده ۲۲۴ قانون سابق مقرر گردیده بود. تغییر مهمی بین مقررات دو ماده قانونی به وجود نیامده جز اینکه در قانون سابق آنچه ملاک برای لزوم نگهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت و عدم لزوم آن محسوب می شد «نوع»، اهمیت جرم و دلایل آن» به طور مطبق بیان گردیده بود در حالی که در این قانون ملاک لزوم یا عدم لزوم نگهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت موارد مقرر در ماده ۲۳۸ این قانون میباشد، تغییر دیگر مربوط به اخذ کفیل یا وثیقه از متهمان است.

به طور کلی که در قانون جدید، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای ۱۵ سال امکان پذیر است در حالی که این قید در قانون سابق بیان نگردیده و بند «ب» ماده ۲۲۴ از اخذ وثیقه به صورت مطلق سخن گفته بود.

بررسی اختصاصی شدن دادگاه اطفال در قانون جدید

ماده ۳۰۴ قانون جدید که به صلاحیت دادگاه اطفال اشاره می کند با ماده ۲۱۹ و تبصره ماده ۲۲۰ قابل تطبیق است. همانطور که سابقاً عنوان گردید، دادگاه اطفال طبق قانون قبلی، به عنوان مرجع اختصاصی شناخته نمی شد بلکه شعبه تخصصی از مراجع عمومی محسوب می گردید و لذا براساس ماده ۲۱۹ قانون سابق نیز عنوان شده بود: «در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی

برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود. لیکن طبق قانون جدید، دادگاه اطفال از مراجع اختصاصی محسوب می‌گردد نه شعبه تخصصی از مراجع عمومی؛ چرا که طبق ماده ۲۹۸ قانون جدید، این دادگاه تشکیلات مستقلی داشته و با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل جلسه می‌دهد.^۱ بنابراین چنانچه قبول کنیم که دادگاه اطفال طبق قانون جدید از مراجع اختصاصی محسوب می‌شود، مهمترین تغییر قانون سابق و لاحق در زمینه این دادگاه همین تغییر خواهد بود. یعنی دادگاه اطفال طبق قانون سابق از مراجع عمومی محسوب می‌شد ولی طبق قانون جدید از مراجع اختصاصی تلقی می‌گردد.

رعایت حقوق منظور برای طفل در خصوص افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال در قانون جدید

پس از ذکر این تغییر، حال به تغییرات به وجود آمده بین ماده ۳۰۴ قانون جدید با ماده ۲۱۹ و تبصره ماده ۲۲۰ قانون سابق اشاره می‌کنیم:

در صدر این ماده از قانون جدید آمده است: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود» در حالی که در تبصره ماده ۲۲۰ قانون سابق آمده بود: «به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود». لذا اولاً در قانون سابق که آمده بود «اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال» در قانون جدید به عبارت «اطفال و افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی» تبدیل شده است. لذا بین واژه «طفل» و «افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی» تفاوت وجود دارد. بدین معنی که ملاک طفل بودن مبنای شرعی آن است یعنی کسی که به «حد بلوغ شرعی» نرسیده است^۲ که بر مبنای سال «قمری» سنجیده می‌شود در حالی که در این ماده از قانون جدید افراد کمتر از ۱۸ سال با معیار سال «شمسی» مورد شناسایی قرار می‌گیرند. در قانون سابق، ماده ۲۱۹ و تبصره ۱ آن و همچنین تبصره ماده ۲۲۰ بین طفل و افراد بالغ (که همان غیر طفل اند) کمتر از ۱۸ سال (بنی حسب مورد افراد بین ۹ تا ۱۸ سال یا ۱۵ تا ۱۸ سال) مقررات متفاوتی در نظر گرفته بود. اگرچه تبصره ماده ۲۲۰ با عبارت «... بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز...» استفاده نموده بود لیکن از واژه «نیز» به این خاطر استفاده شده بود که نشان دهد رسیدگی به جرایم افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال هم همانند جرایم اطفال در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود نه اینکه رسیدگی به جرایم اطفال نیز همانند افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال «طبق مقررات عمومی» رسیدگی می‌شود. این موضوع مورد انتقاد برخی از حقوقدانان هم قرار گرفته بود. این دسته معتقد بودند ارفاق هایی که طبق مواد ۲۲۰ تا ۲۲۹ فقط برای اطفال در نظر گرفته شده و در خصوص افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال رسیدگی به جرایم آنها «طبق مقررات عمومی» دانسته شده صحیح نبود. زیرا «مواردی که متهم دختری کوچک تر از ۹ سال تمام یا پسری کمتر از ۱۵ سال تمام قمری باشد، فراوان

۱. طبق ماده ۲۹۸ نظر مشاوران جنبه مشورتی دارد نه قضایی.

۲. بلوغ شرعی طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در پسران پانزده سال تمام قمری در دختران نه سال تمام قمری است.

نیست تا از مقررات ارفاقی یاد شده برخوردار گردد^۱ این ایراد طبق قانون جدید رفع گردیده و علاوه بر حذف عبارت «طبق مقررات عمومی» در این قانون، در موارد مختلف نیز هر جا که از «طفل» یاد شده عبارت «نوجوان» نیز در کنار آن آمده است تا حقوقی که برای طفل در نظر گرفته می‌شود در خصوص افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال نیز رعایت گردد. لذا تغییر دوم بین این ماده از قانون جدید و مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون سابق حذف عبارت «طبق مقررات عمومی» می باشد.

تحولات تقنینی سن متهم حین رسیدگی به اتهام وتعیین مرجع صالح به رسیدگی در قانون جدید

تبصره ۲ ماده ۳۰۴ قانون جدید در قانون سابق مقرر نگردیده بود که با پیش بینی آن در این قانون باید بین حالتی که متهم حین رسیدگی به اتهام، به سن ۱۸ سال تمام شمسی رسیده باشد یا نه تفاوت قائل شد. به طوری که اگر سن متهم در حین رسیدگی از ۱۸ سال تمام شمسی تجاوز نماید باز هم دادگاه اطفال و نوجوانان صالح به رسیدگی خواهد بود. لیکن اگر قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از ۱۸ سال تمام شمسی تجاوز کند، در این صورت رسیدگی به آن در دادگاه صالح خواهد بود. این موضوع مانع از آن نیست که متهم از ارفاق هایی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، محروم گردد که باید بهره مند هم بشود. طبق قانون سابق برخی معتقد بودند که «ملاک صلاحیت دادگاه، سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم است نه در زمان رسیدگی»^۲ تبصره ۲ این ماده از قانون جدید با این عبارت تا حدی این نظریه را تایید نموده است. در این تبصره آمده است: «هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد.» عبارت «ادامه می‌یابد» به این معناست که رسیدگی قبلا شروع نشده نه اینکه بگوییم پس از اینکه سن متهم از هجده سال تجاوز کرده رسیدگی در دادگاه اطفال شروع شود. ادامه تبصره ۲ ماده حاضر، این ادعا را تایید می‌کند. به طوری که «چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند» رسیدگی به اتهامه در دادگاه اطفال انجام نمی‌پذیرد.

در انتها لازم به ذکر است که در موارد معدود و محدودی به دادگاه کیفری دو (به عنوان یک مرجع عمومی) اختیار داده شده است که به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی نماید^۳ به نظر نمی‌رسد که این استثنا دلیلی بر «اختصاصی» نبودن دادگاه اطفال به عنوان مرجع رسیدگی محسوب شود^۴.

۱. علی خالقی، منبع پیشین، صفحه ۳۱۴.

۲. ر. ک به مواد ۴۰۸ الی ۴۱۷ همین قانون

۳. علی خالقی، منبع پیشین، صفحه ۳۱۲

۴. تبصره ماده ۲۹۸ همین قانون

۵. مبحث دوم از بخش دوم کتاب کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مقررات مستقلی برای جرایم ارتكابی اطفال در نظر گرفته است.

نتیجه گیری

– دادرسی اطفال یک نوع خاص دادرسی است که واجد دو وصف قضایی و اصلاحی است. وصف قضایی این دادرسی به منظور درمان بزهکاری اطفال، بررسی جرائم ارتكابی آنان و اتخاذ تدابیر درمانی در حق طفلی که مرتکب فعلی شده است که قانون مجازات جرم می داند را به این دادگاه اعطا نموده است.

– یکی از تغییرات مثبت قانون دادرسی کیفری جدید نسبت به قانون دادرسی کیفری پیشین پرداختن تفصیلی به دادرسی اطفال در محاکم اختصاصی آنان است.

– از محاسن قانونگذار جدید در دادرسی اطفال باید به پرونده شخصیت متهم طفل اشاره نمود که در قانون دادرسی کیفری جدید بطور تفصیلی بدان پرداخته است.

– در قانون دادرسی کیفری جدید دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع قضایی کیفری محسوب می شود در حالی که طبق قانون اسبق، این دادگاه ها، شعبه ای از دادگاه عمومی محسوب می شد و به طور «تخصصی» به جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان رسیدگی می نمود.

– از رویکردهای نوین قانون آئین دادرسی کیفری جدید مربوط به پیش بینی دادگاه اطفال و تاسیس دادرسی اطفال در معیت آن است. سابقا قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۲۲۱ و قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ در تبصره ۳ ماده ۳ رسیدگی و تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال را در صلاحیت خود دادگاه صالح به اصل دعوا قرار می داد.

– با تصویب قانون جدید آئین دادرسی کیفری، مقرر گردید در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن (به ترتیب صلاحیت ذاتی و محلی) شعبه ای از دادرسی عمومی با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان تشکیل شود.

فهرست منابع و مآخذ

- پور سرتیپ، فرج الله. «دادگاه‌ها و مؤسسات مربوط به اطفال»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، س ۴، ش ۲.
- پورهمایون، علی اصغر. «تشخیص سن متهم یا مجنی علیه در دادگاه‌های کیفری». مجموعه حقوقی، س ۴، ش ۱۹.
- شاهکار، محمد. «اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری»، کانون وکلا، س ۴، ش ۲۷.
- صادق زاده، رضا. «بحث پیرامون قانون جدید دادگاه اطفال»، کانون وکلا، س ۱۱، ش ۶۹.
- همایونی، ناصر. «سازمان و تشکیلات دادگاه اطفال»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، س ۶، ش ۳.
- خالقی، علی. «آیین دادرسی کیفری» موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سیزدهم. بی تا.

